

ترجمه سوره یاسین از فولادوند

به نام خداوند رحمتگر مهربان

یس [یاسین] «1» سوگند به قرآن حکمتآموز «2» که قطعا تو از [جمله] پیامبرانی «3» بر راهی راست «4» [و کتابت] از جانب آن عزیز مهربان نازل شده است «5» تا قومی را که پدرانشان بیمداده نشدند و در غفلت ماندند بیم دهی «6» آری گفته [خدا] در باره بیشترشان محقق گردیده است در نتیجه آنها نخواهند گروید «7» ما در گردنهای آنان تا چانه‌هایشان غله‌ای نهاده‌ایم به طوری که سرهایشان را بالا نگاه داشته و دیده فرو هشته‌اند «8» و [ما] فراروی آنها سدی و پشت‌سرشان سدی نهاده و پرده‌ای بر [چشمان] آنان فرو گسترده‌ایم در نتیجه نمیتوانند ببینند «9» و آنان را چه بیم دهی [و] چه بیم ندهی به حالشان تفاوت نمیکند نخواهند گروید «10» بیم دادن تو تنها کسی را [سودمند] است که کتاب حق را پیروی کند و از [خدای] رحمان در نهان بترسد [چنین کسی را] به آمرزش و پاداشی پر ارزش مژده ده «11» آری ماییم که مردگان را زنده می‌سازیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند با آثار [و اعمالشان] درج میکنیم و هر چیزی را در کارنامه‌های روشن برشمردهایم «12» [داستان] مردم آن شهری را که رسولان بدانجا آمدند برای آنان مثل زن «13» آنگاه که دو تن سوی آنان فرستادیم [ولی] آن دو را دروغزن پنداشتند تا با [فرستاده] سومین [آنان را] تایید کردیم پس [رسولان] گفتند ما به سوی شما به پیامبری فرستاده شده‌ایم «14» [ناباوران آن دیار] گفتند شما جز بشری مانند ما نیستید و [خدای] رحمان چیزی نفرستاده و شما جز دروغ نمی‌پردازید «15» گفتند پروردگار ما میداند که ما واقعا به سوی شما به پیامبری فرستاده شده‌ایم «16» و بر ما [وظیفه‌های] جز رسانیدن آشکار [پیام] نیست «17» پاسخ دادند ما [حضور] شما را به شگون بد گرفت‌هایم اگر دست برنذارید سنگسارتان میکنیم و قطعا عذاب دردناکی از ما به شما خواهد رسید «18» [رسولان] گفتند شومی شما با خود شماست آیا اگر شما را پند دهند [باز کفر می‌ورزید] نه بلکه شما قومی اسرافکارید «19» و [در این میان] مردی از دورترین جای شهر دوان دوان آمد [و] گفت ای مردم از این فرستادگان پیروی کنید «20» از کسانی که پاداشی از شما

نمیخواهند و خود [نیز] بر راه راست قرار دارند پیروی کنید «21» آخر چرا کسی را نپرستم که مرا آفریده است و [همه] شما به سوی او بازگشت مییابید «22» آیا به جای او خدایانی را پرستم که اگر [خدای] رحمان بخواهد به من گزندی برساند نه شفاعتشان به حالم سود میدهد و نه میتوانند مرا برهانند «23» در آن صورت من قطعاً در گمراهی آشکاری خواهم بود «24» من به پروردگارتان ایمان آوردم [اقرار] مرا بشنوید «25» [سرانجام به جرم ایمان کشته شد و بدو] گفته شد به بهشت درآی گفت ای کاش قوم من میدانستند «26» که پروردگارم چگونه مرا آمرزید و در زمره عزیزانم قرار داد «27» پس از [شهادت] وی هیچ سپاهی از آسمان بر قومش فرود نیاوردیم و [پیش از این هم] فرورستنده نبودیم «28» تنها يك فریاد بود و بس و بناگاه [همه] آنها سرد بر جای فسرند «29» دریغا بر این بندگان هیچ فرستادهای بر آنان نیامد مگر آنکه او را ریشخند میکردند «30» مگر ندیده‌اند که چه بسیار نسله‌ها را پیش از آنان هلاک گردانیدیم که دیگر آنها به سویشان باز نمیگردند «31» و قطعاً همه آنان در پیشگاه ما احضار خواهند شد «32» و زمین مرده برهانی است برای ایشان که آن را زنده گردانیدیم و دانه از آن برآوردیم که از آن میخورند «33» و در آن [زمین] باغهایی از درختان خرما و تاک قرار دادیم و چشمه‌ها در آن روان کردیم «34» تا از میوه آن و [از] کارکرد دستهای خودشان بخورند آیا باز [هم] سپاس نمی‌گذارند «35» پاک [خدایی] که از آنچه زمین میرویاند و [نیز] از خودشان و از آنچه نمیدانند همه را نر و ماده گردانیده است «36» و نشانهای [دیگر] برای آنها شب است که روز را [مانند پوست] از آن برمیکنیم و بناگاه آنان در تاریکی فرو میروند «37» و خورشید به [سوی] قرارگاه ویژه خود روان است تقدیر آن عزیز دانا این است «38» و برای ماه منزلهایی معین کرده‌ایم تا چون شاخك خشك خوشه خرما برگردد «39» نه خورشید را سزد که به ماه رسد و نه شب بر روز پیشی جوید و هر کدام در سپهری شناورند «40» و نشانهای [دیگر] برای آنان اینکه ما نیاکانشان را در کشتی انباشته سوار کردیم «41» و مانند آن برای ایشان مرکوبها [ی دیگری] خلق کردیم «42» و اگر بخواهیم غرقشان می‌کنیم و هیچ فریادرسی نمی‌یابند و روی نجات نمی‌بینند «43» مگر رحمتی از جانب ما [شامل آنها گردد] و تا چندی [آنها را] برخوردار سازیم «44» و چون به ایشان گفته

شود از آنچه در پیش رو و پشتسر دارید بترسید امید که مورد رحمت قرار گیرید [نمیشنوند] «45» و هیچ نشانهای از نشانهای پروردگارشان بر آنان نیامد جز اینکه از آن رویگردان شدند «46» و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا به شما روزی داده انفاق کنید کسانی که کافر شده‌اند به آنان که ایمان آورده‌اند میگویند آیا کسی را بخورانیم که اگر خدا میخواست [خودش] وی را میخورانید شما جز در گمراهی آشکاری [بیش] نیستید «47» و میگویند اگر راست میگویید پس این وعده [عذاب] کی خواهد بود «48» جز يك فریاد [مرگبار] را انتظار نخواهند کشید که هنگامی که سرگرم جدالند غافلگیرشان کند «49» آنگاه نه توانایی وصیتی دارند و نه میتوانند به سوی کسان خود برگردند «50» و در صور دمیده خواهد شد پس بناگاه از گورهای خود شتابان به سوی پروردگار خویش می‌آیند «51» میگویند ای وای بر ما چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت این است همان وعده خدای رحمان و پیامبران راست میگفتند «52» [باز هم] يك فریاد است و بس و بناگاه همه در پیشگاه ما حاضر آیند «53» امروز بر کسی هیچ ستم نمی‌رود جز در برابر آنچه کرده‌اید پاداشی نخواهید یافت «54» در این روز اهل بهشت کار و باری خوش در پیش دارند «55» آنها با همسرانشان در زیر سایهها بر تختها تکیه می‌زنند «56» در آنجا برای آنها [هر گونه] میوه است و هر چه دلشان بخواهد «57» از جانب پروردگار [ی] مهربان [به آنان] سلام گفته میشود «58» و ای گناهکاران امروز [از بیگناهان] جدا شوید «59» ای فرزندان آدم مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را پرستید زیرا وی دشمن آشکار شماست «60» و اینکه مرا پرستید این است راه راست «61» و [او] گروهی انبوه از میان شما را سخت گمراه کرد آیا تعقل نمی‌کردید «62» این است جهنمی که به شما وعده داده میشد «63» به [جرم] آنکه کفر می‌ورزیدید اکنون در آن درآید «64» امروز بر دهانهای آنان مهر مینهیم و دستهایشان با ما سخن میگویند و پاهایشان بدانچه فراهم می‌ساختند گواهی میدهند «65» و اگر بخواهیم هر آینه فروغ از دیدگان‌شان می‌گیریم تا در راه [کج] بر هم پیزی جویند ولی [راه راست را] از کجا میتوانند ببینند «66» و اگر بخواهیم هرآینه ایشان را در جای خود مسخ میکنیم [به گونه‌ای] که نه بتوانند بروند و نه برگردند «67» و هر که را عمر دراز دهیم او را [از

نظر] خلقت فروکاسته [و شکسته] گردانیم آیا نمایان‌دیشانند «68» و [ما] به او شعر نیاموختیم و در خور وی نیست این [سخن] جز اندرز و قرآنی روشن نیست «69» تا هر که را [دلی] زنده است بیم دهد و گفتار [خدا] در باره کافران محقق گردد «70» آیا ندیده‌اند که ما به قدرت خویش برای ایشان چهارپایانی آفریده‌ایم تا آنان مالک آنها باشند «71» و آنها را برای ایشان رام گردانیدیم از برخیشان سواری میگیرند و از بعضی میخورند «72» و از آنها سودها و نوشیدنیها دارند پس چرا شکرگزار نیستید «73» و غیر از خدا [ی یگانه] خدایانی به پرستش گرفتند تا مگر یاری شوند «74» [ولی بتان] نمیتوانند آنان را یاری کنند و آنانند که برای [بتان] چون سپاهی احضار شده‌اند «75» پس گفتار آنان تو را غمگین نگرداند که ما آنچه را پنهان و آنچه را آشکار می‌کنند میدانیم «76» مگر آدمی ندانسته است که ما او را از نطفهای آفریده‌ایم پس بناگاه وی ستیزه‌جویی آشکار شده است «77» و برای ما مثلی آورد و آفرینش خود را فراموش کرد گفت چه کسی این استخوانها را که چنین پوسیده است زندگی میبخشد «78» بگو همان کسی که نخستینبار آن را پدید آورد و اوست که به هر [گونه] آفرینشی دانا است «79» همو که برایتان در درختسبزفام اخگر نهاد که از آن [چون نیازتان افتد] آتش میافروزد «80» آیا کسی که آسمانها و زمین را آفریده توانا نیست که [باز] مانند آنها را بیافریند آری اوست آفریننده دانا «81» چون به چیزی اراده فرماید کارش این بس که میگوید باش پس [بیدرنگ] موجود میشود «82» پس [شکوه‌مند و] پاك است آن کسی که ملکوت هر چیزی در دست اوست و به سوی اوست که بازگردانیده میشود «83»